

زمان آن رسیده که از محدوده و چارچوب تفکرات معمول فراتر رویم!

(ترجمه)

آیا می‌توانیم کتاب تاریخ را ببندیم و بدون بازگشت به آن، مسأله فلسطین را درک کنیم؟ آیا می‌توانیم ریشه‌های آن را دریابیم و بدون درس گرفتن از گذشته، راهی برای رهایی از آن بیابیم؟ این پرسش به‌وضوح مطرح می‌شود؛ پس از گذشت بیش از یک سال از جنگ ویران‌گر در نوار غزه، پس از یک سال از نسل‌کشی، ریختن خون‌های پاک و تجاوز به تمام خطوط قرمز، تا جایی که رژیم صهیونیستی در سراسر سرزمین‌های اسلامی گستاخانه و بی‌پروا رفت و آمد می‌کند و دستان کثیفش به یمن، عراق، و ایران نیز دراز شده است؛ گستاخی‌ای که با یافتن فضایی خالی از مقاومت، حتی لبنان را نیز به صحنه جنایت‌های پی‌درپی خود کشاند، بی‌آنکه هیچ مانعی جلودارش باشد.

در برابر این خشونت و گردنکشی، دیدگاه‌ها و واکنش‌ها از سوی تمام نهادهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هم‌چنان تغییری نکرده است. انگار همگان احساس خود را از دست داده‌اند، گویی که اوضاع عادی است و نیازی به هیچ اقدام جدی و فوری ندارد. حرکات همیشگی، مسیری از پیش تعیین‌شده، راهی که از نخستین لحظات این مصیبت بر آن گام گذاشته شده و صد سال پیش، با فروپاشی خلافت اسلامی (۱۹۲۴-۲۰۲۴م)، شکل گرفت. آن هنگام بود که فلسطین به صهیونیست‌ها سپرده شد، رژیم نامشروع تأسیس گردید و پایه‌هایش تقویت و از هر سو حفاظت شد. رژیم‌های خیانت‌کار و وابسته‌ای که در سرزمین‌های اسلامی، بر ویرانه‌های دولت اسلامی روی کار آمدند، بهترین نگهبانان رژیم صهیونیستی بودند. این رژیم‌ها نه تنها با موجودیت رژیم اشغال‌گر، بلکه با اهداف آن در جلوگیری از بازگشت امت اسلامی به قدرت و بازسازی وحدت و دولت واحد امت، هم‌سو و هم‌دست بوده‌اند.

در اینجا نمی‌خواهم به حرکات‌های قدرت‌های جهانی و رفتارهای آن‌ها بپردازم، زیرا آن‌ها کاملاً قابل پیش‌بینی بوده و جای تعجب نیستند. این قدرت‌ها دشمن اصلی امت اسلامی و ریشه هر درد و بلای مسلمانان اند. رژیم صهیونیستی چیزی نیست جز بذر ناپاکی که این قدرت‌ها در سرزمین‌های مقدس کاشته‌اند. رژیم اشغال‌گر و حکومت‌های مزدور و خائن در سرزمین‌های اسلامی، تنها ابزارهایی در دست قدرت‌های استعماری کافرند که نقش و وظیفه آن‌ها به‌گونه‌ای تعیین شده که منافع این قدرت‌ها را تأمین و آن‌ها را حفظ کنند. این حقیقت به‌وضوح در جنگ جاری علیه نوار غزه آشکار شد؛ دیدیم که چگونه آمریکا از نخستین روزها، رهبری و هدایت این جنگ را به‌دست گرفت. همه کشورهای اروپایی، از جمله بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا نیز همین راه را رفتند. اروپا و آمریکا با تمام امکانات نظامی، سیاسی، فنی، رسانه‌ای و اطلاعاتی خود به میدان آمدند تا رژیم صهیونیستی را تقویت و قدرت آن را افزایش دهند و برتری آن را تضمین کنند. حتی در مواردی دیدیم که در کنار صهیونیست‌ها و شانه به شانه آن‌ها در میدان جنگ حاضر شدند.

در اینجا می‌توانیم واقعیت ضعف و شکنندگی این رژیم را به‌خوبی درک کنیم تا جایی که توان حفاظت از خود را به‌تنهایی ندارد. آنچه این درک را عمیق‌تر و برای ما قطعی می‌کند، ادعای نتانیا‌هو است که با افتخار می‌گوید رژیم او مانند تار عنکبوت ضعیف نیست و ساختار آهنین دارد. این ادعا تلاشی است برای رد تصویری که از زمان تأسیس این رژیم به آن چسبیده و برای یهودیان به‌ویژه در سطح رهبران و مردم، به عقده‌ای روانی تبدیل شده است که همواره تلاش می‌کنند آن را رد کنند و از شر آن رها شوند، اما ناکام مانده‌اند. هرگونه رویارویی یا درگیری با این رژیم ضعف و شکنندگی آن را آشکار

می‌کند؛ حقیقتی که مانند خورشید در وسط روز پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳م، به‌وضوح نمایان شد. آیا ندیدید چگونه غرور آن‌ها به خاک مالیده شد، هیبت‌شان شکسته و ناتوانی‌شان در بازدارندگی برملا شد؟ نخست‌وزیر پیشین آن‌ها، ایهود باراک، خود به این موضوع اعتراف کرد و گفت: «حملهٔ حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳م، ترس از اسرائیل را از بین برد و الهام‌بخش میلیون‌ها عرب و مسلمان شد... تصور کنید یک میلیون نفر با سلاح‌های ابتدایی و چاقو به‌سوی اسرائیل حرکت کنند!»

هم‌چنین، نوع رویارویی و طرف‌هایی که با رژیم صهیونیستی مبارزه می‌کنند، روزانه بر صحت این واقعیت صحنه می‌گذارند. بر کسی پوشیده نیست که مجاهدانی که با ارتش رژیم صهیونیستی مبارزه می‌کنند - ارتشی که به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها، تجهیزات مدرن و نیروی زمینی، هوایی و دریایی قدرتمند مجهز و از سوی نیروهای غربی پشتیبانی می‌شود - از نظر تعداد، تجهیزات و تسلیحات در وضعیت محدودی هستند. با این حال، هم‌چنان بدون آن‌که عزم و ارادهٔ شان سست یا شکسته شود، در برابر آن‌ها مقاومت می‌کنند. رژیم صهیونیستی نیز که نتوانسته به اهداف اعلام‌شده‌اش دست یابد، به وحشی‌گری و بربریت روی آورده و قدرت خود را بر اجساد بی‌دفاع و غیرنظامیان از جمله زنان، کودکان و سالخورده‌گان به نمایش گذاشته است؛ بر سر آن‌ها بمب‌های سنگین می‌ریزد، حتی در پناهگاه‌ها تعقیب شان می‌کند، خیمه‌های شان را به آتش می‌کشد و بیمارستان‌های شان را هدف قرار می‌دهد تا مجروحان را بر تخت‌های بیمارستان و در بخش مراقبت‌های ویژه از بین ببرد.

همان‌طور که گفته شد، دشمنی کشورهای استعماری کافر با اسلام و مسلمانان امر واضح و بدیهی است که باید هر مسلمانی آن را درک کند. برخورد با این قدرت‌ها باید بر اساس این دشمنی باشد. بنابراین، ما شگفت‌زده‌ایم و نمی‌توانیم درک کنیم آن درخواست‌ها و ندای‌هایی که متأسفانه برخی سیاست‌مداران، احزاب، علما و حتی برخی از رهبران مجاهدین به این قدرت‌های استعماری جنایت‌کار و نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل، شورای امنیت، دیوان عدالت بین‌المللی و دیوان کیفری بین‌المللی مطرح می‌کنند. بر هیچ فرد عاقلی پوشیده نیست که این نهادها و دیگر نهادها تحت سلطه و نفوذ همین قدرت‌های استعماری هستند و هیچ تصمیمی از آن‌ها گرفته نمی‌شود مگر آنکه در راستای منافع آن قدرت‌های استعماری ظالم باشد.

سوال ما از تمام مسئولین، سیاست‌مداران، احزاب و علما این است: چرا امت خود را از حساب‌های تان حذف کرده‌اید؟! آیا نمی‌توانید فراتر از چارچوبی و محدوده‌ای که دشمنان تان برای تان ساخته‌اند فکر کنید تا خود و امت تان را آزاد کنید؟! آیا به امت تان اعتماد ندارید؟ یا شاید تسلیم ناتوانی تان شده‌اید و زندگی بردگان را بر خود و امت تان پذیرفته‌اید؟!

ما به خوبی می‌دانیم که وضعیتی که امت اسلام در آن قرار دارد نتیجهٔ طبیعی عواملی است که بحث و تفصیل آن‌ها در اینجا نمی‌گنجد. اما به‌طور قطع می‌دانیم که این وضعیت نه طبیعی است و نه دائمی. بر عهده‌ی افراد مخلص از شماست که به‌طور جدی و پیگیر برای بیرون آوردن امت از این وضعیت و برپایی آن تلاش کنید.

امت اسلامی در طول تاریخ خود از شرایط مشابه یا حتی سخت‌تر از آن‌ها گذر کرده است، اما همیشه توانسته بهبود یابد و موانع پیشرفت خود را پشت سر بگذارد. این امر به‌خاطر ذخیره‌ی اعتقادی و مفاهیم عزت، کرامت، وحدت و مسئولیت نسبت به دیگران از یک سو و از سوی دیگر به‌دلیل مسئولیت‌پذیری رهبران و علما در هدایت امت و بلند کردن آن برای انجام وظایف و مسئولیت‌هایش بوده است. نمونه‌های زیادی از این امر در تاریخ امت اسلامی وجود دارد.

اگر واقعاً در تلاش برای پایان دادن به جنگ وحشیانه علیه سرزمین مبارک فلسطین و مردم آن و مقابله با رژیم صهیونیستی و آزادسازی مسجد الاقصی از ظلم و فساد آن هستیم، باید فراتر از چارچوب‌های معمول فکر کنیم. باید از افکار و قوانین استعمارگر کافر، از نهادها و ابزارهای آن عبور کنیم. هیچ نظام بین‌المللی، هیچ قانون بین‌المللی و هیچ مؤسسه بین‌المللی نباید ما را محدود کند. نه به مرزهای ساختگی سایکس-پیکو و نظام‌های کارکردی آن که امت را تجزیه کرده و رژیم صهیونیستی را محافظت می‌کند، نه به حساب‌های سود و زیان، نه به فقه واقعیتی که امت را مأیوس و اراده آن‌ها را تضعیف می‌کند، نه به فقه اولویت‌ها که مسأله اسلام را در قالب اجرای آن در یک دولت به عنوان اولویت نخست قرار نمی‌دهد و نه به آزادی فلسطین که در رأس اولویت‌های این دولت قرار نمی‌گیرد. نه به بازی با توازن‌های بین‌المللی و کسب منافع از تضاد منافع آن‌ها، نه به پناه بردن به ظالمان و استعانت از آن‌ها، نه به محدود کردن مسأله فلسطین به مردم آن و زندانی کردن آن در چارچوب ملی‌گرایی کثیف، نه به تقلیل مسأله فلسطین به کمک‌ها و امدادهای انسانی و اکتفا به دعا برای کمک به آن‌ها، نه به تضعیف مسئله فلسطین درگیر در کشمکش‌های حزبی که از اراده و دستور کار و وفاداری بی‌بهره‌اند و نه به کنار گذاشتن ارتش‌ها از معادله‌ی جنگ و مبارزه برای آزادی.

برگرفته شده از شماره 520 جریده الرایه

نویسنده: استاد خالد سعید

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر_سرزمین مبارکه فلسطین

مترجم: محمد مزمل